

بررسی تطبیقی انگیزه پیشرفت در بین طبقات اجتماعی

دکتر فریدون کامران*، بهمن طاهری**

چکیده: در این مقاله برای بررسی وضعیت قشربندی اجتماعی در ایران از مدل قشربندی دکتر چلبی (۱۳۷۵) استفاده شد و دو طبقه بالا و عادی برای اجرای روش تطبیقی انتخاب گردید. در این پژوهش جامعه آماری کلیه کارخانه‌های شهرک صنعتی گرمسار بوده و انگیزه پیشرفت را در دو گروه مهندسان (یقه‌سفیدان یا کارمندان عالی رتبه فنی) و کارگران مورد مقایسه قرار دادیم. همچنین برای بررسی انگیزه پیشرفت از هفت شاخص استفاده شد: اولویت کار، سخت‌کوشی، ارزش موفقیت، استقلال از خانواده، برنامه‌ریزی، انگیزه درونی و انگیزه بیرونی. نهایتاً به این نتیجه رسیدیم که طبقه‌ی اجتماعی بر انگیزه پیشرفت فرد اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر انگیزه افراد تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی است. با بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت که عبارت بودند از: سطح آرزوها، عزت نفس، رضایت شغلی، شیوه تربیتی دوران کودکی و تقدیرگرایی و با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر به این نتیجه رسیدیم که طبقه بالا نسبت به طبقه پایین از سطح آرزوها و عزت نفس بالاتری برخوردار بوده است، به همین دلیل این طبقه از انگیزه پیشرفت بیشتری برخوردار بوده است.

کلید واژه‌ها: انگیزه^۱، تقدیرگرایی^۲، پیشرفت^۳، طبقات اجتماعی^۴، فرهنگ^۵

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن info@ostadyar.com

** دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

- 1- Incentive
- 3- Advancement
- 5- Culture

- 2- Fatalism
- 4- Socialized Class

مقدمه

جامعه‌ی پویا نیازمند انسان‌هایی پویا و با انگیزه است. رشد و توسعه مقوله‌ای است که در همه‌ی کشورهای جهان مطرح است. امروزه انگیزه پیشرفت از شاخصه‌های روان‌شناختی توسعه‌ی جوامع به حساب می‌آید، زیرا تا زمانی که مردم یک کشور برای تغییر و حرکت آمادگی روحی و روانی لازم را نداشته باشند، اجرای برنامه‌های عمرانی دولت ظاهری و دیربازده خواهد بود. درباره‌ی تأثیر فرهنگ بر انگیزه‌های بشری پژوهش‌ها و بررسی‌های متعددی انجام شده است. در برخی از آنها تعارض بین انگیزه‌ها و در برخی دیگر معیارهای فرهنگی جوامع در حال رشد (مانند اهمیت قایل شدن و ارزش فوق‌العاده دادن به توسعه با تأکید بر تقدیر و سرنوشت و در نتیجه، کوتاهی در برنامه‌ریزی و آینده‌نگری و ...) در اهداف رشد و پیشرفت اقتصادی و مقتضیات آن مطرح شده است.

برخی از جامعه‌شناسان بر لزوم دگرگونی انگیزه‌ها و ارزش‌ها برای نیل به مرحله رشد و پیشرفت تأکید دارند.

به‌عنوان مثال در ۱۹۶۸ گونامیردال کتاب داستان آسیا، پس از ده سال پژوهش در جنوب آسیا پژوهشی درباره فقر ملل منتشر کرد. او نتیجه‌گیری کرد که عوامل فرهنگی موانع اصلی نوسازی هستند. این امر نه تنها در فعالیت‌های کارآفرینانه آنها به چشم می‌خورد، بلکه بر عملکرد سیاسی اقتصادی و اجتماعی آنها نیز تأثیر شدید می‌گذارد. میردال می‌گوید که نظام طبقاتی باعث ایجاد بی‌عدالتی‌های شدید، بی‌احترامی و تحقیر کاریدی می‌شود. او بر این عقیده است که عدم وجود اعتماد و شناخت میان افراد به فساد و انتصاب خویشاوندان در سمت‌های مهم منجر می‌شود. (هانتینکتون، ۱۳۸۳: ۵۰۶)

انگیزه پیشرفت به شرطی می‌تواند در رشد اقتصادی جامعه مؤثر باشد که شرایط محیطی از قبیل ارزش‌های فرهنگی، نظامی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه به پرکاری، تحصیل، کسب تخصص، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری ارزش بگذارد و آن را تشویق کند. در جوامعی که ساختارها و فرهنگ جامعه ایستاست، تشدید و تشویق انگیزه پیشرفت نه تنها کمکی به رشد اقتصادی جامعه نمی‌کند، بلکه می‌تواند موجب ایجاد تنش و تضاد بیشتر در جامعه شود.

در بحث انگیزه، جامعه‌شناسان بر عکس روان‌شناسان معتقدند که انگیزه حاصل مجموعه‌ای از ساختارها، نیازها، فشارها، خواست‌ها، آگاهی‌ها، و نا آگاهی‌هایی است که شخص را به حرکت و جنبش وامی‌دارد. در حالی که روان‌شناسان نسبت به ساز و کار خودبه‌خودی و عوامل فردی انگیزه توجه خاص دارند.

در اینجا بر آن شدیم که تأثیر یکی از عوامل ساختاری جامعه یعنی طبقه‌ی اجتماعی را بر انگیزه پیشرفت بررسی کنیم. در ابتدا قبل از واکاوی پژوهش‌های مرتبط، در بررسی مدل‌های طبقات اجتماعی ایران از کتاب‌های صاحب نظرانی چون چلبی، احمد اشرف، همایون کاتوزیان، جان فوران دیرواند آبراهامیان استفاده شد و در نهایت مدل چلبی را به دلیل دقت و وضوح در عملیاتی شدن انتخاب کردیم.

در بررسی طبقات اجتماعی به دلیل اهمیت نمونه‌گیری در این پژوهش ابتدا کارگران و مهندسان (کارگران طبقه فوقانی) را در کل کارخانه‌های شهرک صنعتی گرمسار به‌عنوان جامعه‌ی آماری مورد مطالعه قرار دادیم.

همچنین به دلیل اهمیت مسئله سن به‌عنوان یک متغیر مزاحم در انگیزه پیشرفت و اینکه با افزایش سن بعد از میانسالی احتمالاً انگیزه پیشرفت کاسته می‌شود، نمونه انتخاب شده افراد بین ۲۰ تا ۳۵ سال در نظر گرفته شدند.

برای بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت با استفاده از چهارچوب نظری علاوه بر مطالعه‌ی اثر قشربندی اجتماعی بر انگیزه پیشرفت به تأثیر عواملی چون سطح آرزوها، عزت نفس، شیوه تربیتی دوران کودکی، تقدیرگرایی، رضایت شغلی، پایگاه اجتماعی اقتصادی والدین، جنسیت و وضعیت تأهل نیز پرداخته‌ایم.

طرح مسئله

زمانی که ماکس وبر در کتاب معروف خود یعنی «روح سرمایه‌داری و اخلاق پروتستانیزم»، اهمیت روحیه‌ی فعالیت اقتصادی را عامل اصلی رشد سرمایه‌داری اروپا معرفی کرد؛ می‌خواست ثابت کند که یکی از ریشه‌های این روحیه را باید در نیاز و انگیزه موفقیت انسان‌ها جستجو کرد (روشه ۱۳۶۶: ۱۸۴). از آن پس این موضوع در جامعه‌شناسی مطرح شد و از طرف کلان، استراد بک و پارسونز به‌عنوان امر ارزشی جامعه مورد ارزیابی قرار گرفت. آنها تقریباً به این وحدت نظر رسیدند که این پدیده ارزش خاصی در تفکر جوامع صنعتی دارد و در جوامعی که این پیشرفت، رنگ ارزشمندی به خود نگیرد، پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی، آرمانی و دور از واقعیت خواهد بود.

محققانی همچون مک کله لند^۱ (۱۹۵۴) استرادبک^۲ (۱۹۵۸) روزن (۱۹۶۱) کاهل^۳ (۱۹۶۸) و دلافاو^۴ (۱۹۷۴) به بررسی رابطه‌ی این انگیزه با طبقات اجتماعی پرداختند و به این

1- McClelland
3- Kahl

2- Strodbeck
4- Delle have

نتیجه رسیدند که طبقه‌ی متوسط به دلیل داشتن نگاه رو به بالا نسبت به سایر طبقات، انگیزه پیشرفت بالاتری دارد. همین طور اقلیتی از کارگران دارای انگیزه‌های قوی هستند که عمدتاً همین امر موجب تحرک اجتماعی آنها می‌شود. و همین انگیزه در جامعه آنها را به کار و تلاش، خطرپذیری و پیشرفت هدایت می‌کند.

از مهم‌ترین بحث‌هایی که پژوهشگران در زمینه انگیزه پیشرفت مطرح می‌کنند بحث محیط و تأثیر آن بر انگیزه است. برای مثال، شرایط اجتماعی (محیطی) چگونه می‌تواند روی انگیزه پیشرفت افراد تأثیر بگذارد؟ آیا بین انگیزه پیشرفت و تغییرات اجتماعی رابطه علت و معلولی وجود دارد؟ آیا انگیزه پیشرفت در افراد باعث رشد جوامع صنعتی می‌شود؟ آیا انگیزه پیشرفت جهانی است یا خاص جوامع صنعتی؟ و غیره.

در ایران هر چند این انگیزه مورد توجه برخی از پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است ولی عمدتاً رویکرد روان‌شناختی داشته‌اند و کمتر پژوهشی انگیزه پیشرفت را با رویکرد جامعه‌شناسی بررسی کرده است.

تنها در برخی از پژوهش‌ها انگیزه پیشرفت به عنوان یک متغیر مستقل و تأثیرگذار بر کار و فعالیت (محمدمیرزایی، ۸۱)، و (علی جنادله، ۸۴)، یا به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصییتی (چلبی، ۸۱) مورد پژوهش و تفحص قرار گرفته است. در اینجا برآنیم تا ضمن بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت، به تأثیر یک عامل اجتماعی بسیار مهم چون طبقه‌ی اجتماعی بپردازیم.

پرسشی که در اینجا مطرح شده این است: شدت این انگیزه در طبقات اجتماعی چگونه است؟ به عبارتی آیا انگیزه انسان‌ها می‌تواند تحت تأثیر ساختار طبقاتی جامعه قرار گیرد؟ در این مقاله با توجه به اهمیت انگیزه پیشرفت در بین جوانان و طبقه اجتماعی آنها درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر خواهیم بود:

- ۱- آیا بین انگیزه پیشرفت و طبقه‌ی اجتماعی می‌توانیم رابطه‌ای منطقی بیابیم؟
- ۲- چه عواملی می‌توانند بر انگیزه پیشرفت مؤثر باشند؟
- ۳- آیا انگیزه پیشرفت در بین طبقات اجتماعی مختلف متفاوت است؟

مبانی نظری

الف: نظریه‌های قشربندی اجتماعی

۱- رویکرد ماتریالیستی

کارل مارکس بزرگترین و اولین مدعی رویکرد ماتریالیستی به شیوه علمی است. محور اصلی نظریات این جامعه‌شناس شناختن نقش اساسی طبقات اجتماعی است. او طبقه را جدا و مستقل از افراد و آن را تعیین‌کننده شیوه رفتار و شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی می‌داند. مارکس تقسیم جامعه به طبقات متفاوت را نه تنها ناشی از چگونگی تقسیم ثروت در جامعه می‌داند، بلکه شرط کافی جهت شکل‌گیری و تشکیل یک طبقه اجتماعی را نیز وجود یک دشمن طبقاتی می‌داند. از نظر مارکس باید دو گامه پشت سر گذاشته شود تا یک طبقه اجتماعی به وجود آید. گامه نخست: «طبقه‌ای در خود» است، این طبقه فاقد آگاهی طبقاتی است و گامه دوم «طبقه برای خود» است، که در این طبقه آگاهی طبقاتی دیده می‌شود. مارکس تجلی پیشرفت را زمانی میسر می‌داند که خود آگاهی طبقاتی شکل گیرد.

۲- رویکرد ایدئالیستی:

بر خلاف مارکس که تجلی انگیزه پیشرفت را مستلزم خودآگاهی طبقاتی می‌دانست، ماکس وبر ایدئولوژی را باعث انگیزه و حرکت افراد می‌داند، و معتقد است ایدئولوژی می‌تواند با ایجاد انگیزه‌های درونی، افراد را به کار و ریاضت‌کشی هدایت کند و افراد به دلیل آگاه شدن از موقعیت و منزلت خودشان در جامعه، با انتخاب شیوه زندگی‌شان منزلت خود را استحکام می‌بخشند.

۳- رویکرد کارکردی:

دیویس و مور با این سؤال آغاز می‌کنند که چرا برخی از موقعیت‌ها نسبت به موقعیت‌های دیگر اعتبار و منزلت بیشتر و پاداش‌های متفاوت با سایر موقعیت‌ها به همراه دارند. دیویس و مور مانند پارسونز معتقدند که ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه، بعضی از مشاغل را با ارزش‌تر و با اهمیت‌تر می‌سازند. البته این مشاغل با درآمد و منزلت بالا نیز توأم هستند و بنابراین انگیزه صعود طبقاتی در اثر نابرابری به وجود می‌آید و به همین دلیل نابرابری دارای کارکرد است چون انگیزه صعود طبقاتی را ایجاد می‌کند.

چلبی معتقد است که رتبه‌ی اجتماعی تعیین‌کننده‌ی میزان دسترسی به منابع ارزشمند جامعه یعنی ثروت مادی، دارایی سازمانی یا قدرت، شأن، پرستیژ اجتماعی و بالأخره دارایی

فرهنگی یا میزان دسترسی به منابع معرفتی اطلاعاتی و شناختی جامعه می‌باشد (چلبی، ۱۳۷۵ : ۱۷۰).

از نظر چلبی نقش اجتماعی بعد دیگر شبکه‌ی مواضع اجتماعی است که خود به انواع فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قابل تقسیم است. نقش‌های چهارگانه را می‌توان به لحاظ کسب اطلاعات و مصرف انرژی به چهار جزء راهبردی، بانفوذ، کمکی و عادی تفکیک کرد. نقش راهبردی در هریک از حوزه‌های چهارگانه‌ی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیشترین مصرف‌کننده‌ی اطلاعات است و به همین دلیل بر سایر نقش‌ها نظارت دارد و آنها را کنترل می‌کند و بر امر تنسيق نمادی، جهت‌دهی ذهنی و تعیین اهداف دقت دارد. بدین ترتیب و با تفکیک نقش‌های چهارگانه در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، شانزده نوع موضوع اجتماعی کامل می‌شود.

از نظر چلبی در حوزه‌ی اجتماعی، هدف فعالیت‌ها برانگیختن احساس در ابعاد مختلف است، مثل احساس بهبودی، رضایت، دوستی و آرامش.

چلبی معتقد است که در جوامع مختلف هرم قشربندی به ترتیب از لایه‌های نخبگان بانفوذ، کمکی و عادی تشکیل می‌شود و خارج از لایه‌های نظام، قشر محرومان قرار می‌گیرد. به عقیده‌ی او در حوزه‌ی فرهنگی هدف فعالیت‌ها بیشتر تولید و انتقال فکر و اندیشه است؛ در حوزه‌ی سیاسی هدف فعالیت‌ها تولید و قدرت است. تولیدات مادی و توزیع آن در حوزه‌ی اقتصادی قرار می‌گیرند.

۴- رویکرد ساختاری:

بورديو معتقد است که برای بررسی انگیزه پیشرفت در طبقات باید به سبک زندگی عادت‌واره‌های طبقات اجتماعی توجه کرد، چون افراد از طریق این عادت‌واره‌ها افکار و نظراتشان را آشکار می‌کنند و به محرک‌های محیطی پاسخ می‌دهند.

از نظر بورديو طبقه‌ای که با عناوین حفظ آبرو و خودنمایی درصدد است که خودش را در طبقه بالاتری نشان دهد، دارای انگیزه پیشرفت بیشتری است. مثلاً وقتی کارگران سعی می‌کنند با تحمل سختی و کار زیاد ماشین‌های مدل بالا بخرند، نشانه ترقی خواهی آنان است.

توجه خاص بورديو به سلیقه یکی از آشکارترین نشانه‌های عادت‌واره است. با اینکه به نظر می‌رسد سلیقه یک پدیده‌ی ساده و شخصی است، بورديو معتقد است که رابطه‌ی مستقیمی با موقعیت طبقاتی دارد. از نظر بورديو زیباشناختی طبقه‌ی پایین یک زیباشناختی تحت سلطه است که همیشه باید خود را با توجه به سلیقه‌ی طبقه‌ی متوسط توجیه کند. از دیدگاه بورديو طبقه‌ی کارگر کمتر از طبقه‌ی متوسط یا طبقه‌ی بالا قادر به ساختن دیدگاه زیباشناختی است.

زیبایی اشیا را طبقات مسلط تعریف می‌کند. و این امر می‌تواند از زیبایی یک اتومبیل تا یک نقاشی یا عکس را در برگیرد (ممتاز، ۱۳۸۳: ۱۵۵).

هدف بورديو از ارائه این نظرات نشان‌دادن منشأ اجتماعی رفتارهای فرهنگی است که عمدتاً تحت تأثیر عادت‌واره شکل می‌گیرند. ترنر به دلیل تأکید زیاد بورديو بر محتوای فرهنگ، او را در زمره‌ی «ساختارگرایان فرهنگی»^۱ همچون لویی اشتروس قرار می‌دهد. (ترنر، ۱۹۹۸: ۵۱۷). به‌طور کلی باید گفت بورديو معتقد است که برای بررسی انگیزه پیشرفت در طبقات باید به سبک زندگی عادت‌واره‌های طبقات اجتماعی نگاه کنیم، چون افراد از طریق این عادت‌واره‌ها افکار و نظریاتشان را آشکار می‌کنند و به محرک‌های محیطی خود پاسخ می‌دهند.

ب: نظریه‌های انگیزه پیشرفت

۱- نظریه‌ی نیاز:

در بیشتر پژوهش‌های مربوط به انگیزه پیشرفت از هنری موری، محققى که نقش اصلی را در تبیین این نظریه ایفا می‌کند نام می‌برند. نظریه‌ی موری از دو لحاظ حایز اهمیت است؛ نخست آنکه وی اولین محققى است که نیاز به پیشرفت را مطرح کرد. دومین دلیل اهمیت موری این است که وی برای پژوهش‌های مربوط به پیشرفت، آزمونی ابداع کرد که با آن می‌توان حالات نیاز را مورد ارزیابی قرار داد. این آزمون به «تست اندریافت موضوع»^۲ معروف است و می‌تواند عقده‌های ناهشیار و پنهان را آشکار سازد (خداپناهی، ۱۳۷۶: ۱۲۵).

موری یک طبقه‌بندی بیست‌گانه‌ای در مورد نیازهای انسان دارد که نیاز به پیشرفت یکی از آنهاست. وی نیاز را کوششی برای فایق آمدن بر مشکلات و موانع و عامل افزایش توانایی‌های مطلوب می‌داند.

مازلو از جامعه‌شناسان روان‌شناسی گراست. او پنج نیاز اساسی را در انسان مطرح ساخت :

۱- نیاز فیزیولوژیکی ۲- نیاز ایمنی ۳- نیازهای تعلق خاطر ۴- نیاز به حرمت

۵- نیاز به خودشکوفایی

مازلو معتقد است که این نیازها به‌صورت سلسله مراتبی هستند، و تا زمانی که نیازهای سطح پایین در حد معقولى برآورده نشوند، نیازهای سطح بالا نمی‌توانند نقشی در انگیزش داشته باشند (ناپلی، ۱۳۷۳: ۳۳).

در جامعه‌ای که افراد آن به‌دنبال تأمین نیازهای معیشتی و فیزیولوژیکی هستند، نمی‌توان از مردم انتظار داشت که به‌دنبال خلاقیت و نوآوری در کارهای خود باشند. بر این اساس

جامعه‌ای به مرحله پیشرفت و توسعه حرکت می‌کند که سلسله مراتب نیازهای مردم را در سطح معقول برآورده ساخته باشد.

مک کله لند برای بررسی انگیزه پیشرفت در افراد از آزمون اندر یافت موضوع (tat) که هنری موری ساخته بود کمک گرفت. مک کله لند معتقد است که انگیزه موفقیت در جوامع، قویاً با رشد و توسعه اقتصادی آنها همبستگی دارد، و ریشه این تفکر را در نوع تربیت بچه‌ها در هر جامعه و فرهنگی می‌داند.

در جوامعی که از سنین پایین به کودکان آزادی عمل و بازخوردهایی روشن در مورد عملکردشان می‌دهند و سلطه‌گرایی پدر و مادر مهار می‌شود، انگیزه پیشرفت در بچه‌ها رشد می‌کند و دادن چنین انگیزه‌هایی به بچه‌ها نشانه‌های خود را در بزرگسالی آنها نشان می‌دهد، به عبارتی همواره انگیزه‌ها زمینه‌ای برای توسعه آینده‌اند (موری، ۱۳۵۴: ۲۰۷-۲۰۰).

۲- نظریه‌های ارزشی - انتظار

اتکینسون

اتکینسون عوامل فردی، متغیرهای محیطی و تجربی را بر نظریه مک کله لند اضافه کرد. به نظر اتکینسون انگیزه پیشرفت ترکیبی است از دو مؤلفه اصلی:

الف) گرایش به موفقیت

ب) گرایش به اجتناب از شکست

وی معتقد است که ترس افراد از موقعیت‌ها، پیوند نزدیکی با احساس اضطراب آنها دارد و کسانی که انگیزه موفقیت در آنها پایین است دچار احساس اضطراب عمیق و قوی هستند. آنها در صورتی که احتمال موفقیت خود را پایین بدانند، بلافاصله اهداف و آرزوهای خود را عوض می‌کنند و بدین ترتیب مرتبه سطح آرزوهای خود را پایین می‌آورند (اتکینسون، ۱۹۶۴: ۲۹).

۳- نظریه‌های اجتماعی:

۳-۱- استرادبک:

استرادبک (۱۹۵۳) معتقد بود که افراد دارای انگیزه پیشرفت، این ویژگی‌ها را نیز دارند:

۱- جهان را نظام منظمی می‌دانند که مسایل آن جای نگرانی ندارد.

۲- به دیگران اعتماد دارند.

۳- زاهدانه خود را وقف کار می‌کنند.

وی به این نتیجه رسید که نحوه‌ی توزیع قدرت در خانواده مهم‌ترین عامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت در افراد است (استرادبک، ۱۹۵۳: ۱۵۷).

۲-۳- پارسونز:

پارسونز به دنبال اثبات این مدعا بود که ارزش‌ها عامل اصلی ساخت انگیزه‌ها در بین مردم هستند. این ارزش‌ها خود تابع ساختارهای جامعه (فرهنگ، اقتصاد، اجتماع، سیاست) بوده، و هر چه سطح توسعه یافتگی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی جامعه بیشتر باشد، کار و تلاش در آن جامعه ارزشمندتر است. و هر چه در جامعه کار و تلاش ارزشمندتر باشد، مردم در خود انگیزه بیشتری برای پیشرفت و موفقیت احساس می‌کنند. به همین دلیل است که برخی از صاحب‌نظران انگیزه پیشرفت را بحثی سرمایه‌داری و متعلق به جوامعی می‌دانند که در مسیر رشد و توسعه گام بر می‌دارند.

۳-۳- بلومن

بلومن و همکارانش (۱۹۸۰) معتقدند که انگیزه پیشرفت تلاش ذهنی و جسمی یک فرد برای رسیدن به هدف است. همین‌طور روابط پیشرفت عبارتند از: جستجوی پیشرفت از طریق واسطه‌ها و روابط اجتماعی حاکم در جامعه.

فرضیه‌های پژوهش:

فرضیه‌ی اصلی:

هر چه طبقه‌ی اجتماعی بالاتر باشد، انگیزه پیشرفت بالاتر می‌رود.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- بین تفاوت سطح آرزوها در طبقات اجتماعی مختلف با انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد.
- ۲- بین تفاوت شیوه تربیتی حاکم در طبقات اجتماعی مختلف با انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد.
- ۳- بین تفاوت رضایت‌مندی شغلی در طبقات اجتماعی مختلف با انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد.
- ۴- بین تفاوت تقدیرگرایی در بین طبقات اجتماعی مختلف با انگیزه‌ی پیشرفت رابطه وجود دارد.
- ۵- بین تفاوت عزت نفس در بین طبقات اجتماعی مختلف با انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد.
- ۶- بین تفاوت جنسیت در بین طبقات اجتماعی مختلف با انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد.
- ۷- بین تفاوت وضعیت تأهل در بین طبقات اجتماعی مختلف با انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد.

۸- بین تفاوت پایگاه اجتماعی اقتصادی والدین در بین طبقات اجتماعی مختلف با انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

- روش پژوهش: روش پژوهش پیمایشی از نوع مقایسه تطبیقی طبقه‌ی پایین و طبقه‌ی بالا است.

واحد تحلیل طبقه و واحد مورد مطالعه خانواده است. سطح تحلیل آزمون نیز، سطح خرد است.

- جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان کارخانجات شهرک صنعتی گرمسار با جمعیت ۶۰۰۰ نفر می‌باشد.

- حجم نمونه و روش نمونه‌گیری: در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. یعنی جامعه آماری به مجموعه‌های همگن (کارخانجات مختلف) تقسیم‌بندی و از هر زیر مجموعه نمونه‌ی متناسبی انتخاب شد. به عبارت دیگر فهرست کارخانه‌ها تهیه شد و در هر کارخانه متناسب با حجم آن، نمونه‌ای از کارگران و مهندسان انتخاب شدند.

در تخمین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. برای بالا بردن سطح اطمینان مقدار عددی p و q را برابر $0/5$ در نظر گرفتیم تا حداکثر حجم نمونه ممکن انتخاب شود، و ضریب دقت d برابر با $0/05$ است. لذا با توجه به $t=1/96$ و $N=6000$ مقدار نمونه 377 نفر تعیین شد.

- تعریف اجمالی و عملیاتی متغیرهای پژوهش:

الف) طبقه‌ی اجتماعی: معمولاً از ملاک‌های مختلفی برای تعریف عملیاتی متغیر طبقه‌ی اجتماعی استفاده می‌شود، برخی از جامعه‌شناسان از ملاک‌های عینی همچون درآمد، شغل، میزان تحصیلات، شیوه زندگی و حتی شرایط سکونت استفاده می‌کنند و پاره‌ای نیز ملاک‌های ذهنی همچون منزلت اجتماعی، و تمایز فرهنگ غیرمادی در میان طبقات مختلف را معیار سنجش وضعیت طبقاتی مردم می‌دانند. در این پژوهش از دو معیار، یعنی سطح تحصیلات و شغل سازمانی استفاده شده است.

البته شاید از دیدگاه مارکسیستی مهندسان و کارگران ساده کارخانه‌های شهرستان گرمسار در یک طبقه اجتماعی قرار گیرند، اما نزدیکی و قرابت مهندسان به طبقه کارفرمایان در جامعه‌ی امروزی ایران (برخی از مهندسان خود صاحبان سرمایه هستند)، ما را بر آن داشت تا در این پژوهش، از این دو دسته به عنوان دو طبقه متخاصم (به تعبیر مارکس) نام ببریم.

بنابراین در این پژوهش متغیر مستقل، طبقه‌ی اجتماعی و متغیر وابسته انگیزه پیشرفت می‌باشد. اما در این رابطه چهار دسته از متغیرها نیز به‌عنوان متغیرهای متداخل یا واسطه مورد بررسی و کنکاش علمی قرار گرفته‌اند.

۱- متغیرهای روحی-روانی همچون سطح آرزوها، رضایت‌مندی، تقدیرگرایی، عزت نفس.

۲- متغیرهای فردی همچون جنسیت، تأهل.

۳- متغیرهای اقتصادی- اجتماعی همچون پایگاه اقتصادی - اجتماعی والدین.

۴- متغیرهای محیط تربیتی همچون شیوه تربیتی والدین که به سه سبک تربیتی مختلف: استبدادی (اقتدار غیرمنطقی)، مقتدرانه (اقتدار منطقی) و سهل انگارانه تقسیم شده‌اند.

ب) انگیزه پیشرفت: انگیزه پیشرفت را به معنی انگیزه‌ای برای عملکرد بهتر و سرآمدی در کارها می‌دانیم. بدین منظور سه بعد اصلی همراه شش شاخص جزء برای سنجش شدت انگیزه پیشرفت در نظر گرفته شده است.

ابعاد اصلی در نظر گرفته‌شده عبارتند از: بعد اجتماعی، بعد روان‌شناختی و بعد خانوادگی. شاخص‌های جزء جهت سنجش این متغیرها عبارتند از: برنامه‌ریزی برای آینده، پشتکار، استقلال از خانواده، اولویت شغلی، نداشتن ترس از عدم موفقیت و امید به موفقیت. [گویه‌ها را در مقیاس لیکرت مورد سنجش قرار داده‌ایم].

- **تعیین روایی ابزار پژوهش:** جهت رفع نقایص پرسش‌نامه‌ی اولیه و رفع اشکالات احتمالی در طراحی گویه‌ها و سؤالات پژوهش یک آزمون مقدماتی (پایلوت) انجام دادیم. بدین منظور پرسش‌نامه‌ها نخست در میان ۴۵ نفر به‌صورت تصادفی توزیع و تکمیل شدند، تا ضمن تعیین سؤالات نامفهوم و نارسا و تصحیح آنها، آلفای کرونباخ نیز محاسبه شود. نظر به اینکه مناسب‌ترین روش سنجش روایی در طیف لیکرت، ضریب آلفای کرونباخ است، ما نیز برای سنجش هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری یعنی پرسش‌نامه از همین آزمون استفاده کردیم.

بالاترین میزان روایی مربوط به شاخص‌های شیوه تربیتی مقتدرانه با روایی ۰/۸۴ و رضایت از محتوای کار با میزان ۰/۸۶ و کمترین سطح روایی ۰/۳۷ مربوط به شاخص ترس از عدم موفقیت بود که به‌دلیل پایین بودن سطح روایی از مدل حذف شد.

- **روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:** جهت بررسی روابط علی بین متغیرها به‌طور همزمان معمولاً از روش‌های تحلیل چند متغیره استفاده می‌شود. بنابراین با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر، روابط بین متغیرها مورد مطالعه قرار گرفت.

به‌طور کلی در تحلیل رگرسیون چند متغیره، چهار روش تحلیل اساسی برای تعیین چگونگی گزینش متغیرهای مستقل در معادله وجود دارد: روش همزمان، روش پس‌رونده، روش پیش‌رونده و روش قدم به قدم. برای بررسی تحلیل رگرسیون در این پژوهش از دو روش هم‌زمان و قدم به قدم استفاده شد. البته در این مقاله برای اختصار و اجتناب از تطویل کلام تنها روش هم‌زمان مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

در روش همزمان، تمام متغیرهای وارده بدون در نظر گرفتن معنی‌داری آنها در مدل در نظر گرفته می‌شوند. در حالی که در روش قدم به قدم، متغیرهای مستقل تک تک به معادله افزوده می‌شوند، و چنانچه نقش معناداری در رگرسیون نداشته باشند، از آن حذف می‌شوند. لذا در ابتدا متغیری وارد خواهد شد که بیشترین تأثیر را در تبیین واریانس متغیر وابسته داشته باشد. هر بار با ورود متغیر جدید کلیه متغیرهای موجود در معادله مورد بازبینی قرار می‌گیرند و هر یک از آنها که سطح معناداری خود را از دست داده باشد، قبل از ورود متغیر جدید از معادله خارج می‌شوند.

یافته‌ها

۱- تأثیر نسبی متغیرهای مستقل در تبیین انگیزه پیشرفت.
جدول شماره ۱ تأثیر متغیرهای مستقل بر انگیزه پیشرفت را نشان می‌دهد که با استفاده از ضرایب رگرسیونی ارتباط بین متغیرها به صورت کمی را به وضوح نمایان می‌سازد. در مرحله‌ی اول (مدل ۱) این جدول نشان می‌دهد که سطح آرزوها و عزت نفس با یکدیگر قادرند تا ۰/۲۹ از واریانس شدت انگیزه پیشرفت را تبیین کنند. در این مدل سطح آرزوها شدت بیشتری برای تبیین انگیزه پیشرفت دارد. در مرحله‌ی دوم (مدل ۲) متغیر رضایت شغلی به متغیرهای مدل ۱ اضافه شده است. این سه متغیر قادرند تا ۳۷ درصد از کل واریانس انگیزه پیشرفت را تبیین کنند. در سومین مرحله (مدل ۳) متغیر تقدیرگرایی به سه متغیر فوق‌الذکر اضافه شده است. در نتیجه این چهار متغیر، یعنی سطح آرزوها، عزت نفس، رضایت شغلی و تقدیرگرایی مجموعاً توانسته‌اند تا ۴۲٪ از کل واریانس انگیزه پیشرفت را پوشش دهند و تبیین کنند. اضافه شدن متغیر شیوه تربیتی منطقی به چهار متغیر قبلی تأثیری روی ضریب تعیین‌کننده R^2 ندارد و این پنج متغیر همچنان تنها ۴۲٪ از واریانس انگیزه پیشرفت را توجیه می‌کنند. در مدل ۵ تأثیر کلیه متغیرهای مستقل مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در این مدل نشان داده شده است که مجموعه متغیرها، یعنی سطح آرزوها، عزت نفس، رضایت شغلی، جنسیت و تأهل

در مجموع ۴۳٪ از کل واریانس انگیزه پیشرفت را تبیین می‌کنند و ۵۷٪ از واریانس انگیزه پیشرفت به سایر عواملی که در این پژوهش لحاظ نشده‌اند بستگی دارد.

در اینجا می‌توانیم نتایج به‌دست آمده را در معادله رگرسیون زیر خلاصه کنیم:

$$M = 0.314A + 0.124B + 0.196C + 0.061D$$

در این معادله A سطح آرزوها، B عزت نفس، C رضایت شغلی و D تأهل است.

معادله فوق را نیز می‌توان چنین تفسیر کرد که اگر سایر متغیرهای مستقل ثابت نگه‌داشته

شوند، به ازای یک واحد افزایش در سطح آرزوها، انگیزه پیشرفت ۰/۳۱۴ افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۱: تحلیل رگرسیون متغیرهای مستقل در تبیین انگیزه‌ی پیشرفت

مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	شدت
۰/۳۱۴***	۰/۳۲۶***	۰/۳۱۳***	۰/۳۳۶***	۰/۳۷۷***	سطح آرزوها
(۶/۸۳۲)	(۷/۴۷۶)	(۷/۷۶۸)	(۷/۴۶۱)	(۷/۹۵۲)	
۰/۱۲۴**	۰/۱۳۵	۰/۱۴۰**	۰/۱۴۶**	۰/۳۰۴***	عزت نفس
(۲/۲۴)	(۲/۵۴۹)	(۲/۸۳۷)	(۲/۸۶۸)	(۶/۴۱۴)	
۰/۱۹۶***	۰/۲۰۸***	۰/۲۰۵***	۰/۱۷۸***		رضایت شغلی
(۴/۲۱۲)	(۴/۷۰۹)	(۴/۹۹۲)	(۳/۹۷۷)		
-۰/۰۶۳	-۰/۰۶۵	-۰/۰۶۸			تقدیرگرایی
(۱/۱۹۸)	(-۱/۳۰۷)	(-۱/۳۸)			
-۰/۰۰۷	۰/۰۱۱				شیوه‌ی تربیتی منطقی
(۰/۱۲۷)	(۰/۲۱۸)				
-۰/۰۱۶					پایگاه اجتماعی اقتصادی والدین (پایین = ۱)
(۰/۳۴۷)					
۰/۰۵۳					جنسیت (مرد = ۱)
(-۱/۱۱۸)					
-۰/۰۶۱***					تأهل (مجرد = ۱)
(-۱/۳۸۷)					
۰/۴۳	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۳۷	۰/۲۹	R2
۰/۴۰	۰/۴۱	۰/۴۰	۰/۳۷	۰/۲۹	تعديل شده R2

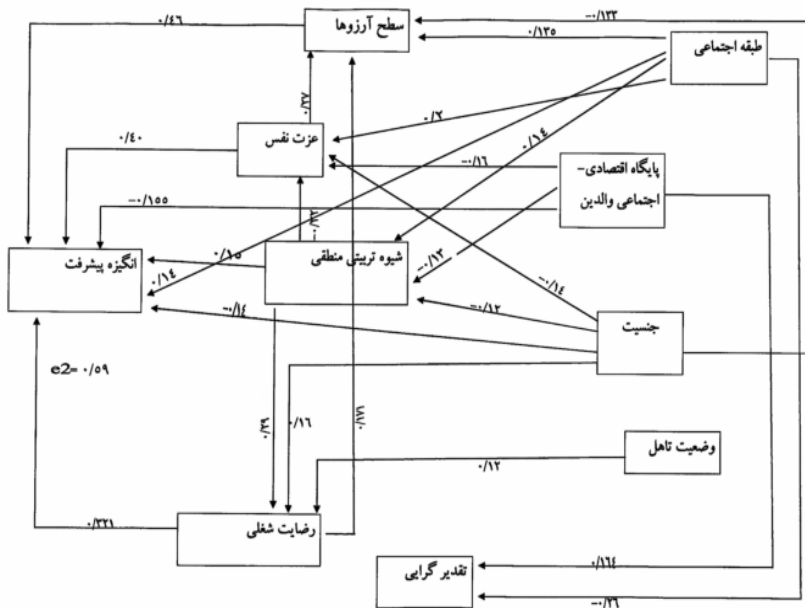
* با ۹۵٪ اطمینان معنادار است. ** با ۹۹٪ اطمینان معنادار است.

*** با ۹۹/۹٪ اطمینان معنادار است.

تحلیل مسیر انگیزه پیشرفت که در نمودار زیر ارائه شده است، تأثیر متغیرها بر یکدیگر را به‌صورتی دقیق نشان می‌دهد. هر یک از این روابط که با ضرایب همبستگی محاسبه شده‌اند

تفاسیر جامعه‌شناختی بحث برانگیزی دارند که متأسفانه در قالب این مقاله نمی‌گنجد. لذا خواننده‌ی فهیم و اندیشمند این مقاله را به تمرکز علمی بر روی تک تک این اعداد دعوت می‌کنیم.

نمودار تحلیل مسیر انگیزه پیشرفت



بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش دستیابی به شناختی در خصوص ابعاد انگیزه پیشرفت و تأثیر طبقه‌ی اجتماعی بر آن بوده است. لذا در این مورد پاسخ به سؤالات زیر را مدنظر داشته‌ایم:

۱- برای سنجش طبقه‌ی اجتماعی در جامعه صنعتی ایران به‌طور اعم و جامعه‌ی صنعتی

گرمسار به‌طور اخص چه معرف‌هایی می‌توانیم به‌کار ببریم؟

۲- ابعاد مختلف انگیزه پیشرفت کدامند؟

۳- تفاوت انگیزه پیشرفت در میان طبقات اجتماعی در جامعه‌ی صنعتی چقدر است؟

۴- چه عوامل و یا متغیرهای متداخلی می‌توانند بر انگیزه پیشرفت تأثیرگذار باشند؟

۵- چه راهکارهایی برای افزایش انگیزه پیشرفت در میان آحاد جامعه می‌توان پیشنهاد

داد؟

در این پژوهش طبقه‌های اجتماعی را طیف وسیعی از افرادی دانسته‌ایم که از نظر سرمایه‌ی فرهنگی و اقتصادی به هم شبیه هستند. برای سنجش طبقه‌ی اجتماعی پاسخگویان از دو معرفت‌های تحصیلات و شغل استفاده کردیم. لذا از نظر شغلی پاسخگویان را در جامعه‌ی صنعتی گرمسار به دو گروه کارگران ساده و مهندسان شاغل در کارخانه‌ها تقسیم کردیم.

همه‌ی متغیرهای طبقه‌ی اجتماعی را، با استفاده از مدل چلبی در سطح سنجش فاصله‌ای قرار دادیم، و آنها را با هم جمع زدیم، و نتایج حاصله را بعد از صفر تا صد کردن به دو قسمت مساوی تقسیم کردیم. به این ترتیب تعداد ۱۳۶ نفر معادل ۴۰ درصد جزء طبقه‌ی متوسط بالا و ۲۰۶ نفر معادل ۶۰ درصد جزء طبقه‌ی پایین قرار گرفتند.

پس از بررسی پژوهش‌ها و نظریه‌های موجود با استفاده از نظریات مک کله لند، اتکینسون، استرادبک، روزن، کاهل و بلومن به این نتیجه رسیدیم که در تحلیل جامعه‌شناختی، انگیزه پیشرفت دارای هشت بعد اساسی به شرح زیر است:

بعد اولویت کار، بعد سخت‌کوشی، بعد برنامه‌ریزی، بعد استقلال از خانواده، بعد ارزش موفقیت، بعد انگیزه درونی، بعد انگیزه بیرونی و بعد ترس از عدم موفقیت.

با مطالعه‌ی جامعه‌سنجی مسئله، یکی از ابعاد انگیزه پیشرفت در نظریه‌ی اتکینسون مبتنی بر ترس از عدم موفقیت نتوانست بعد مناسبی برای توجیه انگیزه پیشرفت باشد، لذا به دلیل روایی پایین از مدل ما حذف شد. بنابراین در نهایت به هفت بعد برای سنجش و بررسی انگیزه پیشرفت دست یافتیم.

در پاسخ به پرسش سوم با استفاده از روش تحلیل واریانس به این نتیجه رسیدیم که شدت انگیزه پیشرفت در طبقات اجتماعی مختلف کاملاً متفاوت و ارتباط بین این دو متغیر در سطح معنی‌داری قرار دارد، به طوری که میزان انگیزه پیشرفت در طبقه‌ی بالا بیشتر از طبقه‌ی پایین بوده است.

به این ترتیب نظریه مک کله لند، استرادبک و دلافاو در ایران هم تأیید شد. برای بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت از روش رگرسیون چند متغیره استفاده کردیم، و به این نتیجه رسیدیم که سطح آرزوها در میان سایر متغیرهای مستقل بیشترین تأثیر را بر شدت انگیزه پیشرفت داشته است. به این ترتیب نظریه‌ی کورین (۱۹۷۰)، بلو و مک هاگ (۱۹۷۱) و همچنین هوروتیز و موثر (۱۹۹۷) تأیید شد.

همچنین در این پژوهش متوجه شدیم که شیوه تربیتی افراد در دوران کودکی می‌تواند بر میزان انگیزه پیشرفت آنان در بزرگسالی تأثیرگذار باشد. در نتیجه نظریه‌ی استرادبک (۱۹۵۸) و روزن (۱۹۶۱) تأیید شد.

به علاوه لازم است به اثر قوی و معنی دار عزت نفس بر انگیزه پیشرفت اشاره‌ای داشته باشیم و یادآوری کنیم که در این زمینه نظریه‌ی روزنبرگ و اسکودر (۱۹۸۴) و ماریاما (۱۹۸۴) مورد تأیید قرار می‌گیرند.

همچنین به این نتیجه رسیدیم که تقدیرگرایی با انگیزه پیشرفت رابطه‌ای معکوس دارد و در نتیجه نظریه‌ی ماریاما (۱۹۸۴) نیز تأیید شد.

یکی دیگر از فرضیه‌های پژوهش رابطه‌ی بین جنسیت و انگیزه پیشرفت بود و به این نتیجه رسیدیم که زنان نسبت به مردان از انگیزه پیشرفت بیشتری برخوردارند. شاید دلیل این ارتباط وضعیت اقتصادی حاکم در ایران و گسترش سطح بیکاری و سرخوردگی مردان باشد.

البته نظریات هافمن (۱۹۷۴) نیز تأییدی بر رابطه بین همین دو متغیر است.

فرضیه رابطه‌ی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی والدین و انگیزه پیشرفت نیز که بر اساس نظریات استرادبک (۱۹۵۸)، روزن (۱۹۵۸) و مدل اجتماعی - اقتصادی دانشگاه ویکانسیین (۱۹۶۹) شکل گرفته، مورد تأیید قرار گرفت و نشان دادیم که هر چه از طبقه‌ی پایین به سمت طبقه‌ی بالا حرکت کنیم، میزان انگیزه پیشرفت در فرزندان آنها بیشتر می‌شود. همچنین بین رضایت شغلی و میزان انگیزه پیشرفت رابطه‌ی مثبت معنی داری به دست آوردیم که به این ترتیب نظریه‌ی مربوط به مدل دانشگاه ویکانسیین (۱۹۷۹) در جامعه‌ی مورد مطالعه اثبات شد. لازم به ذکر است که از بین تمام متغیرهای فوق، به ترتیب متغیرهای سطح آرزوها و رضایت شغلی بیشترین تأثیر را در تبیین متغیر وابسته داشتند.

با استفاده از روش تحلیل مسیر برای مقایسه تطبیقی طبقات اجتماعی بالا و پایین از نظر عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت، دریافتیم که سطح آرزوها، عزت نفس و شیوه تربیتی مقتدرانه طبقه‌ی بالا نسبت به طبقه‌ی مادون بالاتر است. در مقابل سطح تقدیرگرایی طبقه‌ی پایین بالاتر از طبقه‌ی بالا است.

با توجه به اینکه با استفاده از متغیرهای موجود در مدل توانسته‌ایم تنها ۴۲ درصد از کل واریانس انگیزه پیشرفت را توجیه و تبیین کنیم، این پژوهش راه را برای پژوهش بیشتر و دستیابی به توجیه علمی بیشتر پدیده‌ی مورد مطالعه باز می‌گذارد.

راهکارها و راهبردها

۱- پیشنهادات روشی:

۱- یکی از متغیرهایی که در پژوهش‌ها و نظریه‌های انگیزه پیشرفت به هیچ عنوان به کار نرفته است، اما به نظر محقق شاید در ایران بتواند به تبیین انگیزه پیشرفت کمک کند، متغیر

احساس محرومیت نسبی است. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی این متغیر هم مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲- بررسی تأثیر انگیزه پیشرفت در بین مدیران یا کارآفرینان می‌تواند ابعاد مهم دیگری از این بحث را روشن کند و شاید بهترین روش برای این بررسی روش کیفی و مصاحبه با چند کارآفرین یا مدیر موفق باشد.

۳- این موضوع می‌تواند به صورت خاصی برای مسابقات قهرمانی علمی یا ورزشی مورد استفاده قرار گیرد، به طوری که می‌توان عوامل و انگیزه‌های مؤثر بر موفقیت قهرمانان سال‌های گذشته را در رشته‌های مختلف پیدا کرد و برای برنامه‌ریزی در اختیار مسئولان برنامه‌ریزی قرار داد.

۴- از آنجا که انگیزه پیشرفت مستقیماً به تفکر انسان‌ها مربوط می‌شود و به دلیل گستردگی ابعاد مسئله بهتر است برای موشکافی بیشتر و بهتر از پژوهش‌های بین رشته‌ای (از جمله کارشناسان روان‌شناسی، علوم تربیتی و مدیریت) استفاده شود تا این موضوع به صورتی علمی‌تر و گسترده‌تر مورد بررسی قرار گیرد.

۵- نگاهی عمیق‌تر به مقوله‌ی طبقات اجتماعی و بررسی سبک زندگی و عادت‌واره‌های طبقات با استفاده از روش‌های غیرآماري، از جمله مشاهده و مصاحبه یا روش مطالعه‌ی موردی می‌تواند به شناخت بهتر ما از طبقات اجتماعی ایران کمک کند.

۲- پیشنهادات اجرایی:

۱- تألیف کتاب‌های داستان برای کودکان و نوجوانان با محتوای رسیدن به هدف، برنامه‌ریزی، برنده شدن و ... با هدف ایجاد انگیزه موفقیت و پیشرفت برای آنان.

۲- با توجه به کارکردهای مؤثر و مفید طبقه‌ی متوسط جدید، پیشنهاد بسط و گسترش این طبقه به مسئولین دولتی امری برآورنده به نظر می‌رسد. اگر بپذیریم که برای توسعه نیازمند بسترهای مناسب و کارآمد هستیم رشد طبقه‌ی متوسط جدید در جامعه از جمله بسترهایی است که می‌تواند رشد توسعه اقتصادی جامعه را تسریع کند.

۳- از آنجا که تقدیرگرایی تأثیر معکوسی بر انگیزه پیشرفت داشته است، شایسته است که از طریق مطبوعات و رسانه‌ها سطح تقدیرگرایی مردم جامعه کاهش یابد.

۴- آموزش والدین در مورد شیوه‌های تربیتی و سوق دادن آموزش‌ها به سمت شیوه تربیتی مقتدرانه و رفتارهای مؤثر در خانواده‌ها.

۵- رضایت‌مندی شغلی از عوامل مناسب برای رشد انگیزه پیشرفت در بین کارکنان محسوب می‌شود و قسمت مهم سود ناشی از ایجاد این انگیزه نصیب مدیران و سهام‌داران شرکت‌ها خواهد شد. پس عنایت بیشتر به رضایت‌مندی کارکنان از طرف مدیران برای ایجاد انگیزه پیشرفت اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

۶- رفع تبعیض‌های جنسیتی و اجازه‌ی ظهور زنان لایق در پست‌های مدیریتی می‌تواند به نفع شرکت‌ها و به نفع جامعه باشد، چون زنان با داشتن انگیزه پیشرفت بیشتر در واقع انرژی بالقوه‌ی رشد و توسعه‌ی جامعه هستند و نباید گذاشت این توانایی‌ها هدر روند.

۷- آموزش دادن به افراد برای جدی گرفتن آرزوها و داشتن آرزوهای بزرگ با تأکید بر مسایل اخلاقی نیز از دیگر راه‌های افزایش انگیزه پیشرفت است.

منابع

- آراسته خو، م. (۱۳۷۰). نقد و نگرش بر فرهنگ اصلاحات علمی - اجتماعی. مجموعه علوم اجتماعی، نشر گستره تهران.
- آرون، ر. (۱۳۶۳). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه: باقرپرهم. انتشارات سمت، تهران.
- امیرکافی، م. (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. نمایه پژوهش، شماره ۱۰.
- انصاری، ا. (۱۳۷۸). نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران. انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- ایران نژاد پاریزی، م. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. انتشارات نشر مدیران، چاپ دوم، تهران.
- بشیره، ح. (۱۳۷۳). تاریخ اندیشه‌ها و جنبش‌های سیاسی در قرن بیستم، مارکسیسم ساخت‌گرا، نیکوس پولاتزاس. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هشتم، شماره ۱۱ و ۱۲ مرداد و شهریور.
- تامین، م. (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی نظری و کاربردی. ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر. نشر توتیا، تهران.
- جنادله، ع. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت اقتصادی (بررسی موردی استان خوزستان). پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی
- چلبی، م. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. نشر نی، تهران.
- چلبی، م. (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. مؤسسه پژوهشی فرهنگ هنر و ارتباطات تهران.
- خداپناهی، م. ک. (۱۳۷۶). انگیزش و هیجان. انتشارات سمت، تهران.
- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه: هوشنگ نایی، تهران.

- رایبیز، ا. پ. (۱۳۷۸). رفتار سازمانی: مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها. ترجمه: علی پارسایان و سید محمد اعرابی (ویرایش ۲). انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- رضاپور، ا. (۱۳۷۴). درک عدالت در میان جوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- رفیع پور، ف. (۱۳۸۲). تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریترز، ج. (۱۳۷۸). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. انتشارات علمی، چاپ نهم، تهران.
- روشه، گ. (۱۳۶۶). تغییرات اجتماعی. ترجمه: منصور وثوقی. نشر نی، تهران.
- ریو، ج. م. (۱۳۸۱). انگیزش و هیجان. ترجمه: یحیی سیدمحمدی. مؤسسه نشر ویرایش، چاپ چهارم، تهران.
- ریو، ج. م. (۱۳۷۶). انگیزش و هیجان. ترجمه: یحیی سیدمحمدی. مؤسسه نشر ویرایش، چاپ اول، تهران.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی. مؤسسه انتشارات آوای نور، تهران.
- سرایی، ح. (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق. انتشارات سمت تهران.
- سیف، ع. ا. (۱۳۷۸). اندازه‌گیری و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی. نشر آگاه تهران.
- شولتز، د. و شولتز، س. ا. (۱۳۷۹). نظریه‌های شخصیت. ترجمه: یحیی سیدمحمدی. مؤسسه نشر ویرایش تهران.
- قاضی طباطبایی، م. (۱۳۸۷). تکنیک‌های خاص تحقیق. انتشارات پیام نور، تهران.
- کرلینجر، پ. ه. (۱۳۶۶). رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری (جلد اول). ترجمه: حسن سرایی. مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- کاظمی پور، ش. (۱۳۷۸). الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۴ پاییز و زمستان.
- کوزر، ل. (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی. انتشارات علمی، چاپ نهم، تهران.
- لهسایی زاده، ع. (۱۳۷۷). نابرابری و قشربندی اجتماعی. انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.

- مرتضوی، ش. (۱۳۷۰). آشنایی با روان‌شناسی فرهنگی. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ممتاز، ف. (۱۳۸۳). معرفی مفهوم طبقه‌بندی از دیدگاه بوردیو. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۱-۴۲، بهار و تابستان.
- موری، ا. (۱۳۶۳). انگیزش و هیجان. ترجمه: محمدتقی براهنی. انتشارات مهر چاپ سوم.
- میلر، د. (۱۳۸۰). راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی. ترجمه: هوشنگ نایی. نشر نی، تهران.
- نایلی، م. ع. (۱۳۷۳). انگیزش در سازمان‌ها. انتشارات شهید چمران، اهواز.
- هانتیگتون، س. (۱۳۸۳). اهمیت فرهنگ. ترجمه: گروه ترجمه توسعه مدیریت ایران. انتشارات امیرکبیر، تهران.
- هالباکس، م. (۱۳۶۹). روانشناسی طبقات اجتماعی. ترجمه: علی محمد کردان. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- همدانی، ع. (۱۳۷۸). بحثی از جامعه‌شناسی کار نیروی انسانی و رضایت شغلی. و مطبوعات شماره‌های ۷۴ و ۷۵ بهمن و اسفند.
- یوسفی، ن. (۱۳۷۴). شکاف ارزشی بین نسل‌ها و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.